



جواد خرمی

#### اشاره

شیعه که در لغت به معنای پیرو می‌باشد، در اصطلاح به کسانی گفته می‌شود که جانشینی پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله را حق اختصاصی خانواده رسالت می‌دانند و در معارف اسلام پیرو مکتب اهل بیت علیهم السلام می‌باشند. واژه شیعه در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله مطرح بود و سلمان و ابوذر و مقداد و عمار به شیعه بودن شهرت داشتند.<sup>۱</sup>

کلماتی است که به‌طور مکرر از رسول خدا صلی الله علیه و آله رسیده است که بارها لفظ «شِيعَتَكَ يَا عَلِيُّ» را به زبان جاری فرمود. آنچه پیش رو دارید، نگاهی است گذرا به شیعه و معنا و اوصاف آن از دیدگاه امیر مؤمنان علی علیه السلام؛ البته قبل از کلمات مولا، مختصراً شیعه را در قرآن مورد بررسی قرار می‌دهیم.

#### شیعه در قرآن

آیاتی از قرآن بر شیعه تطبیق شده

از آنجا که امام اول شیعیان علی علیه السلام بود، شیعه به نام شیعه علی علیه السلام معروف گشت و ریشه اصلی آن نیز

۱. شیعه در اسلام، علامه سید محمد حسین طباطبایی، قم، دار التبلیغ، صص ۴-۵؛ حاضر العالم الاسلامی، ص ۱۸۸.

تعداد آن به بیش از بیست روایت می‌رسد. به عنوان نمونه، به برخی از آنها اشاره می‌شود:

۱. «ابن عباس» می‌گوید: وقتی که

آیه «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ»<sup>۱</sup> نازل شد، پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به علی رَضِيَ اللهُ عَنْهُ فرمود: «هُوَ أَنْتَ وَشِيعَتُكَ تَأْتِي أَنْتَ وَشِيعَتُكَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ رَاضِينَ مَرْضِيَيْنَ وَيَأْتِي عَدُوُّكَ غَضَبَانًا مُقْتَحِمِينَ»<sup>۲</sup> منظور از این آیه تو و شیعیان هستی که در روز قیامت وارد [عرصه محشر] می‌شوید؛ در حالی که هم شما [از خدا] راضی هستید و هم خدا از شما راضی است و دشمنت وارد [محشر] می‌شود در حالی که خشمگین و به زور به جهنم می‌رود»<sup>۳</sup>

۱. مانند: واقعه / ۱۰ - ۱۱: «وَالشَّيْقُونَ الشَّقِيُونَ» \*  
أُولَئِكَ الْأَمْقَرُونَ» و صفات / ۸۳: «وَأَنَّ مِنْ شِيعَتِي لَا يُزَاهِمُونِ».

۲. بیته / ۷ - ۸.

۳. همان / ۷.

۴. همان.

۵. شواهد التنزیل، حاکم حسکانی، ج ۲، ص ۳۵۷، ح ۱۱۲۶، بنا به نقل از: تفسیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۰ ش، ج ۲۷، ص ۲۱۱.

۶. در برخی از نسخه‌های حدیث «مُتَقَمِّجِينَ»

است،<sup>۱</sup> از جمله آیه ذیل: «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ \* جَزَاءُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتُ عَدْنٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ ذَلِكَ لِمَنْ خَشِيَ رَبَّهُ»<sup>۲</sup> «به راستی کسانی که ایمان آوردند و اعمال صالح انجام دادند، بهترین مخلوقات [خدا] هستند. پاداش آنها نزد پروردگارشان، باغهای بهشت جاویدان است که نهرها از زیر درختانش جاری است، همیشه در آن می‌مانند، هم خدا از آنها خوشنود است و هم آنها از خدا خوشنودند و این [مقام والا] برای کسی است که از پروردگارش بترسد.»

در روایات متعددی که منابع

معروف اهل سنت و همچنین در منابع معروف شیعه نقل شده، آیه «أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ»<sup>۳</sup> به علی رَضِيَ اللهُ عَنْهُ و شیعیان او تفسیر شده است.

«حاکم حسکانی نیشابوری» که از

دانشمندان معروف اهل سنت در قرن پنجم هجری است، این روایات را در کتاب معروفش به نام «شواهد التنزیل» با اسناد مختلف نقل نموده است که

هنگامی که علی علیه السلام می آمد، یاران محمد صلی الله علیه و آله می گفتند: بهترین مخلوق خدا بعد از رسول الله صلی الله علیه و آله آمد.<sup>۳</sup>

همین مضمون از ابن حجر در «صواعق»<sup>۴</sup>، محمد شبلنجی در «نور الابصار»<sup>۵</sup> و جلال الدین سیوطی در «دُر المثور»<sup>۶</sup> نقل شده است.

بسیاری دیگر از دانشمندان اهل سنت نیز این روایات را در کتب خود نقل کرده اند، از جمله خطیب خسوارزمی در «مناقب»، ابو نعیم اصفهانی در «کفایة الخصام»، طبری در تفسیر خود، ابن صباغ مالکی در «فصول المهمة» و شوکانی در «فتح الغدير».<sup>۷</sup>

با توجه به ارزش و منزلت شیعه علی علیه السلام خوب است و چهره واقعی شیعه علی علیه السلام را از زبان خود مولا

۲. در حدیث دیگری از «ابو برزه» آمده است که وقتی پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله آیه «خَيْرَ الْبَرِيَّةِ» را قرائت کرد، فرمود: «هُمَ أَنْتَ وَشِيعَتُكَ يَا عَلِيُّ وَمِعَادُ مَا بَيْنِي وَبَيْنَكَ الْخَوْضُ»<sup>۱</sup> آنها تو و شیعیانت هستید ای علی! و وعده گاه من و شما کنار حوض کوثر است.

۳. از «جابر بن عبد الله انصاری» نقل شده است که ما خدمت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله کنار خانه خدا نشسته بودیم، علی علیه السلام به سوی ما آمد. هنگامی که چشم پیامبر صلی الله علیه و آله به او افتاد، فرمود: «برادرم به سراغ شما می آید.» سپس رو به کعبه کرد و فرمود: «وَرَبَّ هَذِهِ الْبَيْتَةِ إِنَّ هَذَا وَشِيعَتَهُ هُمُ الْفَائِزُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» به خدای این بنا (کعبه) قسم که این [مرد] و شیعیانش در قیامت رستگارند.

سپس رو به سوی ما کرد و افزود: «به خدا سوگند! او قبل از همه شما به خدا ایمان آورد و قیام او به فرمان خدا بیش از همه شماست و وفایش به عهد الهی از همه بیشتر است...» جابر می گوید: در اینجنا خداوند آیه «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا... هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ»<sup>۲</sup> را نازل فرمود و از آن به بعد

آمده که به معنای بالا نگه داشتن سر به وسیله غل و زنجیر می باشد.

۱. شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۳۵۹، ح ۱۱۳۰.

۲. بینه/۷.

۳. شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۳۶۲، ح ۱۱۳۹.

۴. الصواعق المحرقة، ص ۹۶.

۵. نور الابصار، ص ۷۰ و ص ۱۰۱.

۶. در المثور، ج ۶، ص ۳۷۹.

۷. ر.ک: تفسیر نمونه، ج ۲۷، ص ۲۱۳.

بشنویم.

### شیعه آبروی اسلام

پیامبر ﷺ بارها فرمود که پیروان من به هفتاد و سه فرقه تقسیم می‌شوند و تنها گروه ناجیه شیعیان علی علیه السلام هستند. آری، این شیعه بوده است که با پیروی از امامان خویش از صدر اسلام تا امروز برای حفظ اسلام اصیل که در تشیع تبلور یافته، فداکاریهای فراوان نموده و رنجهای بی‌شمار را تحمل کرده است، تا آنجا که در قرن بیست و یکم و در اوج پیشرفتهای علمی و صنعتی، جهان تشنه شناخت معارف شیعه و مکتب آن است و به خاطر این عظمت است که علی علیه السلام فرمود: «أَلَا وَإِنَّ لِكُلِّ شَيْءٍ عِزًّا وَعِزُّ الْإِسْلَامِ الشُّبُعَةُ الْأَوَّلُ وَإِنَّ لِكُلِّ شَيْءٍ دِعَامَةً وَدِعَامَةُ الْإِسْلَامِ الشُّبُعَةُ الْأُولَى وَإِنَّ لِكُلِّ شَيْءٍ ذُرْوَةً وَذُرْوَةُ الْإِسْلَامِ الشُّبُعَةُ الْأُولَى وَإِنَّ لِكُلِّ شَيْءٍ سَيْدًا وَسَيْدُ الْمَجَالِسِ مَجَالِسُ الشُّبُعَةِ الْأُولَى وَإِنَّ لِكُلِّ شَيْءٍ شَرَفًا وَشَرَفُ الْإِسْلَامِ الشُّبُعَةُ الْأُولَى وَإِنَّ لِكُلِّ شَيْءٍ إِمَامًا وَإِمَامُ الْأَرْضِ أَرْضُ تَسْكُنُهَا الشُّبُعَةُ»؛ بیدار باشید! آگاه باشید! به راستی هر چیزی را عزتی است و عزت اسلام شیعه است. آگاه باشید! برای هر چیزی رکنی است

و رکن اسلام شیعه است. برای هر چیزی علو و برتری است و برتری اسلام شیعه است. بیدار باشید! برای هر چیزی آقا و سروری است و سید مجالس، مجالس شیعه است. آگاه باشید! برای هر چیزی آبرویی است و آبروی اسلام شیعه است. بیدار باشید! برای هر چیزی پیشوایی است و پیشوای زمین آن سرزمینی است که شیعه در آن زندگی می‌کند.»

راستی که این همه عظمت جز بر قامت راستین شیعه نزیید و جز بر پیروان راستین علی علیه السلام بر دیگران منطبق نشود. اینجاست که مسئولیت شیعه بودن صد چندان می‌شود. مبادا کسی ادعای شیعه‌گری داشته باشد و باعث عزت و آبروی اسلام نباشد! به این جهت، ضروری می‌نماید که به دنبال اوصاف شیعیان واقعی برویم و آنها را بشناسیم و در خود ایجاد نماییم.

### اوصاف شیعیان علی علیه السلام

علی علیه السلام اگر آن چنان از شیعه تعریف و تمجید می‌کند، اوصاف دقیق

می شود، چراغهای هر تاریکی هستند... اگر آشکار باشند، شناخته نمی شوند (خودنمایی نمی کنند) و اگر غایب باشند، مفقود نیستند (همه به آنها توجه دارند). آنها شیعیان [راستین و] پاکیزه و برادران گرامی من هستند. آه! چقدر شوق [دیدار] آنها را دارم!

## ۲. ولایتمداری

شیعیان هر جا باشند، بر محور ولایت و محبت اهل بیت علیهم السلام با هم می جوشند و در راه احیای امر اهل بیت علیهم السلام تلاش می کنند و از حمایت همدیگر غافل نمی شوند. علی علیه السلام در این باره فرمود: «شِبَعَتْنَا الْمُنْتَابُونَ فِي وَلَايَتِنَا الْمُنْتَابُونَ فِي مَوَدَّتِنَا الْمُنْتَابُونَ فِي إِخْتِيَاءِ أَمْرِنَا الَّذِينَ إِنْ غَضِبُوا لَمْ يَظْلِمُوا وَإِنْ رَضُوا لَمْ يُسْرِفُوا بَرَكَتَهُ عَلَى مَنْ جَاوَزُوا يَسْلَمُ لِمَنْ خَالَطُوا»<sup>۱</sup> شیعیان ما بر محور ولایت ما [به همدیگر] بذل و بخشش می کنند، همدیگر را در مسیر محبت ما دوست می دارند، و برای زنده نمودن امر [و

آنان را نیز بیان می نماید تا هر کسی ادعای شیعه بودن و پیرو علی علیه السلام بودن را نداشته باشد. برخی از اوصاف و ویژگیهایی که یک شیعه واقعی باید دارا باشد عبارتند از:

## ۱. حلم و علم و عمل

علی علیه السلام می فرماید: «شِبَعَتِي وَاللَّهُ الْخُلَمَاءُ الْعُلَمَاءُ بِاللَّهِ وَدِينِهِ الْعَامِلُونَ بِطَاعَتِهِ وَأَمْرِهِ الْمُهْتَدُونَ بِحَبِيبِهِ أَنْصَاءُ عِبَادَةِ إِخْلَاصِ زَهَادَةِ صَفْرِ الْوُجُوهِ مِنَ التَّهَجُّدِ عَمَشِ الْعَيْونِ مِنَ النِّبَاكِ ذُبُلِ الشَّفَاةِ مِنَ الذِّكْرِ تَحْمُصِ الْبَطُونِ مِنَ الطَّوَى تُعْرِفُ الرَّبَّائِيَّةَ فِي وُجُوهِهِمُ وَالرَّهْبَانِيَّةَ فِي سَمْتِهِمْ مَصَابِيحُ كُلِّ ظَلَمَةٍ... إِنْ شَهِدُوا لَمْ يُعْرِفُوا وَإِنْ غَابُوا لَمْ يُفْتَقِدُوا أَوْلِيكَ شِبَعَتِي الْأَطْيَبُونَ وَإِخْوَانِي الْأَكْرَمُونَ الْأَهَاءُ شَوْقًا إِلَيْهِمْ»<sup>۱</sup> شیعه من به خدا سوگند! بر دبارند، دانای به خدا و دین اند، مطیع امر خدا هستند، هدایت یافتگان به محبت الهی هستند، تشنه عبادت و ملازم زهد هستند، از شب بیداری چهره زرد دارند، از اثر گریه چشمهای فرو رفته و لبهای گویا به ذکر خدا و شکمهای خالی به خاطر گرسنگی دارند، خدایی بودن در چهره های آنها و رهبانیت در روششان شناخته

۱. الامالی، طوسی، ص ۵۷۶، ح ۱۱۸۹، به نقل

از: میزان الحکمة، ج ۴، ص ۱۵۳۹، ح ۹۹۴۱.

۲. الکافی، کلینی، ج ۲، ص ۲۳۶، ح ۲۴، به نقل

از: میزان الحکمة، ج ۴، ص ۱۵۳۹، ح ۹۹۴۲.

ولایت [ما [اجتماع می کنند و] به دیدار یکدیگر می روند؛ کسانی که اگر غضب کنند، ستم نمی کنند و اگر خشنود شوند، اسراف و زیاده روی نمی کنند و برکت بر همسایگان خود و سلامتی [و آرامش] برای همراهان خویش اند.»

### ۳. عرفان و فضل

شیعه اگر به اهل بیت علیهم السلام محبت و عشق می ورزد، از سر آگاهی است؛ چرا که به خدا آگاهی دارند و از او امر او با خبرند و این خداوند است که در قرآن دستور به محبت اهل بیت علیهم السلام داده است. شیعه غرق در جلال و جمال الهی است و عارف واقعی و سالک حقیقی کوی دوست می باشد؛ «شیعه یعنی می عشقی ز خدا نوشیدن».

علی علیه السلام در این زمینه می فرماید:  
 «شِيعَتُنَا هُمُ الْعَارِفُونَ بِاللَّهِ الْعَالِمُونَ بِأَمْرِ اللَّهِ أَهْلُ الْفَضَائِلِ النَّاطِقُونَ بِالصَّوَابِ مَا كُوتِبَتْ لَهُمُ الْقُوَّةُ وَمَلَسَتْهُمْ الْإِقْتِسَادُ وَمَنْشَبُهُمُ التَّوَّاضِعُ... تَخَسِبُهُمْ مَرْضَى وَقَدْ خَوَّلُوا وَمَا هُمْ بِذَلِكَ بَلْ خَامَرَهُمْ مِنْ عَظَمَةِ رَبِّهِمْ وَشِدَّةِ سُلْطَانِهِ مَا طَاشَتْ لَهُ قُلُوبُهُمْ وَذَهَلَتْ مِنْهُ عُقُولُهُمْ فَإِذَا اشْتَأَقُوا مِنْ ذَلِكَ بَادَرُوا إِلَى اللَّهِ تَعَالَى بِالْأَعْمَالِ الزَّكِيَّةِ لَا يَرْضَوْنَ لَهُ بِالْقَلِيلِ وَلَا

يَسْتَكْبِرُونَ لَهُ الْعَجْزِيلُ؛<sup>۱</sup> شیعیان ما عارف به خدا، عمل کننده به امر خدا، دارای فضیلتها، و گویندگان به حق و صواب هستند. غذایشان قوت [لا یموت] و لباسشان متوسط و راه رفتنشان با تواضع [و فروتنی] است... آنها را بیمار و دیوانه می پنداری و حال آنکه چنان نیستند، بلکه خماری (خاموشی و سکوت) آنها از [درک] عظمت پروردگارشان و شدت سلطنت الهی است که در دلشان به وجود آمده و عقولشان از آن عظمت متحیر شده است. پس هر گاه مشتاق الهی شوند، به سوی خدای بلند مرتبه با اعمال پاکیزه سرعت می گیرند. برای خدا به [اعمال] کم راضی نمی شوند و [اعمال] زیاد را برای خدا فراوان نمی شمارند.»

محمد بن حنفیه می گوید: وقتی که علی علیه السلام بعد از جنگ جمل وارد بصره شد، احنف بن قیس او را دعوت کرد و غذا برای او آماده نمود. پس آن گاه دنبال آن حضرت و اصحابش

۱. مستدرک الوسائل، میرزا حسین نوری، ج ۸، ص ۳۱۳، ح ۹۵۳۰. به نقل از: میزان الحکمة، ج ۴، ص ۱۵۴۰، ح ۹۹۴۵.

فرستاد. حضرت آمدند و فرمودند: احنف! یاران [و شیعیان] مرا فرا بخوانید! «فَدَخَلَ عَلَيْهِ قَوْمٌ مُتَخَشِّعُونَ كَانَتْهُمْ شَيْئَانٌ بَوَالٍ فَقَالَ الْأَخْنَفُ بْنُ قَتَيْبٍ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ مَا هَذَا الَّذِي نَزَلَ بِهِمْ مِنْ قَلَةِ الطَّعَامِ أَوْ مِنْ هَوْلِ الْحَرْبِ فَقَالَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ لَا يَا أَخْنَفُ إِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ أَحَبُّ أَقْوَامًا تَتَسَكَّوْا لَهُ فِي دَارِ الدُّنْيَا تَتَسَكَّ مِنْ هَجَمٍ عَلَيَّ مَا عَلِمَ مِنْ قُرْبِهِمْ مِنْ يَوْمِ الْقِيَامَةِ مِنْ قَبْلِ أَنْ يُسَاهِدُوَهَا فَحَمَلُوا أَنْفُسَهُمْ عَلَيَّ مَجْهُودَهَا»<sup>۱</sup> پس گروهی با فروتنی بر او داخل شدند که مانند مشک خشکیده بودند. احنف گفت: ای امیر مؤمنان! چه بر یاران تو نازل شده است [که این گونه لاغر اندام اند]؟ آیا به خاطر کمی غذاست یا ترس از جنگ؟ حضرت که صلوات خدا بر او باد فرمود: نه [هیچ یک از آنها نیست] ای احنف! [بلکه باید گفت:] به راستی خداوند سبحان دوست می دارد گروهی را که [زهد می ورزند و] خدا را در دنیا می پرستند؛ همچون [زهد و] عبادت کسانی که علم به نزدیکی قیامت بر آنها هجوم آورده و آنها نفسشان را بر تلاش برای قیامت قبل از مشاهده قیامت

و اداری می کنند.»

اینکه از شیعه فقط نام بدانیم بد است  
ما نمک گیر چنین لقمه بمانیم بد است  
شیعه یعنی کفن سرخ بلا پوشیدن  
شیعه یعنی می عشقی ز خدا نوشیدن  
۴. حُسن ظاهر و باطن  
شیعه هم ظاهر آراسته دارد و هم باطن زیبا و پاکیزه. علی علیه السلام در این باب می فرماید: «شَيْعَتُنَا كَالْأَثْرِجَةِ طَيِّبٌ رِيحُهَا حَسَنٌ ظَاهِرُهَا وَبَاطِنُهَا»<sup>۲</sup> شیعیان ما مانند ترنج هستند که بوی خوش دارد و ظاهر و باطنش نیکوست.»

#### نقش علما در حفظ شیعه

شیعه با اوصاف پیش گفته عزت و شرف و آبروی اسلام، و نگه دارنده آن است. به این جهت، باید از شیعیان در تمام جهات محافظت شود؛ هم از جان و مالشان و هم از اندیشه و اعتقادشان و همین از ضعف و ناتوانی و جهل و نادانی آنان جلوگیری می کند. این مهم

۱. الامالی، طوسی، ص ۵۷۶، ح ۱۱۸۹، به نقل از: اهل البیت فی الکتاب والنسب، محمدی ری شهری، قم، دار الحدیث، ص ۲۴۶، ح ۵۴۰.  
۲. غرر الحکم، عبد الواحد آمدی، ترجمه محمد علی انصاری، ص ۴۵۱.

اینکه سپاه شیاطین و پیروان ناصب او از آن حدود [حمله کنند و] بر آنها مسلط شوند، ممانعت می‌کنند. آگاه باشید! هر کس از شیعیان ما خود را به این امر خطیر موظف نماید، هزار مرتبه از کسانی که با رومیان و ترکان و خزر<sup>۲</sup> جهاد می‌کنند، برتر است؛ زیرا عالم از دین دوستان [و شیعیان] ما دفاع می‌کند و رزمندگان از جان شیعیان دفاع می‌نمایند.»

و با توجه به این وظیفه خطیر علمای شیعه در حفظ شیعیان است که امیر و مولای شیعیان علی علیه السلام می‌فرماید: «مَنْ كَانَ مِنْ شِيعَتِنَا حَالِمًا بِشِرِيعَتِنَا فَأُخْرِجَ ضَعْفَاءَ شِيعَتِنَا مِنْ ظُلْمَةِ جَهْلِهِمْ إِلَى نُورِ الْعِلْمِ الَّذِي حَبَوْنَاهُ جَاءَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَعَلَى رَأْسِهِ تَاجٌ مِنْ نُورٍ يُضِيءُ لِأَهْلِ

۱. بحار الانوار، ج ۲، ص ۵.

۲. خزر بنابه گفته دهخدا نام ولایتی است در توران که از شرق دریای خزر شروع می‌شود و از شمال و مغرب آن می‌گذرد که در واقع به حاشیه شرق و شمال غربی دریای خزر اطلاق می‌شود و شهرها و ولایت این منطقه و اهالی و ساکنین آنجا را خزر گویند و نام دریای خزر از نام این مرز و بوم و مردمان اقتباس شده و این مردمان در زمان خلفا بسیار با نفوذ بوده‌اند. ر.ک: فرهنگ دهخدا، ج ۲۱، ص ۵۱۴.

را امام معصوم علیه السلام در دوران حضورشان به خوبی انجام دادند و با تقیه و پنهانکاری و حتی با تحمل زندان و شکنجه و تألمات روحی و یا پذیرش صلح تحمیلی و... شیعیان را محافظت نمودند.

در دوران غیبت این امر مهم به عهده علما و مراجع عظام قرار داده شده است که با رهبری و هدایتگری و نظارت بر اعمال و رفتار آنان و با تدبیر خردمندان از تمام جهات شیعیان را محافظت کنند.

امام صادق علیه السلام در این باره می‌فرماید: «عَلَمَاءُ شِيعَتِنَا مُرَابِطُونَ بِالنُّفْرِ الَّذِي يَلِي إِبْلِيسَ وَعَفَارِيئَهُ يَمْنَعُونَهُمْ عَنِ الْخُرُوجِ عَلَى ضِعَفَاءِ شِيعَتِنَا وَعَنْ أَنْ يَنْتَسِلَطَ عَلَيْهِمْ إِبْلِيسُ وَشِيعَتُهُ النَّوَاصِبُ أَلَا فَمَنْ انْتَصَبَ لِذَلِكَ مِنْ شِيعَتِنَا كَانَ أَفْضَلَ مِمَّنْ جَاهَدَ الرُّومَ وَالتُّرْكَ وَالخَزَرَ أَلْفَ أَلْفٍ مَرَّةً لِأَنَّهُ يَدْفَعُ عَنِ أَدْيَانِ مُجِبِّينَا وَذَلِكَ يَدْفَعُ عَنِ أُنْدَانِهِمْ؛<sup>۱</sup> دانشمندان شیعیان ما مرزداران حدود و ثغوری هستند که شیطان و عفریتهای او [صف‌کشی کرده و] متولی آن حدود هستند، و این علما از خروج شیاطین بر ضعفای شیعه و از



جَمِيعَ تِلْكَ الْفَرَصَاتِ...<sup>۱</sup> از شیعیان هر که به آیین ما آگاه باشد و شیعیان ناتوان ما را از تاریکی جهل به نور دانش - که ما به او بخشیده ایم - درآورد، روز قیامت با تاجی از نور بر سر - که به تمام اهل محشر نور می بخشد - وارد می شود...»

### پاداش شیعیان

قطعاً شیعه با آن فضایلی که در دنیا دارد، از جایگاه رفیع و مقام بلند اخروی برخوردار است که در کلمات امامان معصوم علیهم السلام بیان شده است. در اینجا فقط به روایتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله خطاب به علی علیه السلام درباره پاداش شیعیان اشاره می کنیم:

از جابر بن عبد الله انصاری نقل شده است که: روزی خدمت رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله بودم، صورت مبارک خود را به جانب علی علیه السلام کرد و آن گاه فرمود: ای ابو الحسن! آیا به تو مژده ندهم؟ عرض کرد: آری یا رسول الله! فرمود: این جبرئیل است و از جانب

خدا خبر می دهد که «قَدْ أُعْطِيَ شِيعَتَكَ وَمُجِيبَكَ تَسْعَ خِصَالٍ الرَّفَقَ عِنْدَ الْمَوْتِ وَالْأَنْسَ عِنْدَ الْوَحْشَةِ وَالنُّورَ عِنْدَ الظُّلْمَةِ وَالْأَمْنَ عِنْدَ الْفَرَجِ وَالْقِنَطَ عِنْدَ الْمِيزَانِ وَالْجَوَازَ عَلَى الصُّرَاطِ وَدُخُولَ الْجَنَّةِ قَبْلَ سَائِرِ النَّاسِ وَنُورَهُمْ يَسْعَى بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَيَأْتِيهِمْ»<sup>۲</sup> [خداوند] به شیعیان و دوستان تو هفت خصلت عطا کرده است: ۱. مدارا در وقت مردن؛ ۲. آرامش در موقع وحشت [در عالم قبر]؛ ۳. نور در وقت تاریکی [قبر]؛ ۴. آسایش به هنگام بیم و هراس؛ ۵. عدل و داد در وقت سنجش عمل؛ ۶. عبور از [پل] صراط؛ ۷. ورود به بهشت پیش از دیگر مردم، درحالی که نورشان پیش رو و سمت راستشان [به سرعت] حرکت می کند.»

۱. المحجة البيضاء، فیض کاشانی، تهران، چاپ خانه صدوق، ج ۱، ص ۹، ر.ک: الحکم الزاهرة، ج ۱، ص ۴۷۰، ح ۱۲۸۳.  
۲. بحار الانوار، ج ۶۸، ص ۹، ح ۴؛ میزان الحکمة، ج ۴، ص ۱۵۴۴، ح ۹۹۷۷؛ الخصال، صدوق، ج ۲، ص ۴۰۲.